



بررسی وضعیت اشخاص دارای معلولیت و مشکلات آنان
در خانواده و جامعه

فهرست مطالب

**عناوین
صفحه**

۱	مقدمه
۴	روش تحقیق
۴	مفهوم معلولیت
۵	جامعه آماری
۶	نمونه آماری
۷	ساحه تحقیق
۷	شیوه جمع آوری اطلاعات
۸	یافته های تحقیق
۸	نوع معلولیت
۱۰	سن و جنسیت پاسخدهندگان
۱۱	حالت مدنی
۱۲	وضعیت سواد معلولان
۱۴	وضعیت اقتصادی معلولان
۱۶	مشکلات معلولان در خانواده و اجتماع
۱۶	مشکلات در محیط خانواده
۱۸	مشکلات معلولان در اجتماع
۲۱	دسترسی به خدمات صحتی و اجتماعی
۲۲	رابطه بین مشکلات و متغیرهای جنسیت، سواد، اشتغال، و وضعیت اقتصادی
۲۲	جنسیت
۲۵	سواد
۲۹	اشتغال
۳۰	درآمد
۳۲	وضعیت اقتصادی
۳۳	نتایج و پیشنهادات

بررسی وضعیت اشخاص دارای معلولیت و مشکلات آنها در
خانواده و جامعه

ضمیمه ها.....۳۶

یادداشت:

این پروژه تحقیقاتی، توسط "کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان" و مرکز تحقیقات اجتماعی به صورت مشترک، اجرا گردیده است.

به این ترتیب که:

تهیه پرسشنامه ها، آموزش پرسشگران، نظارت بر املائی پرسشنامه ها در ساحه، ثبت معلومات در کمپیوتر و تحلیل کمی اولیه، توسط مرکز تحقیقات اجتماعی انجام گردیده است و سوالنامه ها توسط پرسشگران (کارمندان ساحوی کمیسیون) تهیه گردیده، املا، تحلیل کمی ثانوی و تحریر گزارش فعلی، توسط بخش تحقیق و برنامه ریزی کمیسیون مستقل حقوق بشر صورت گرفته است.

اضافه می گردد که فعالیتهای مرکز تحقیقات اجتماعی به وسیله کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان تمویل گردیده است.

مقدمه

معلولیت یکی از حقایق زندگی بشری بوده، در طول تاریخ در تمام جوامع به انواع گوناگون وجود داشته است. امروزه نیز کشورهای رو به توسعه و هم ممالک صنعتی و پیشرفته، شاهد حضور معلولان در اجتماع شان می باشند. در حالی که انواع و تعریف معلولیت با گذشت زمان و با در نظر داشت جوامع مختلف فرق می کند، اما موضوعی که در بین همه مشترک است رسیدگی به وضعیت معلولان و طرح و تطبیق برنامه ها از طریق دولت، و ارگان های غیر دولتی برای بهبود وضع معلولان است.

معلولیت بنابر عوامل مختلفی به وجود می آید. عوامل طبیعی همچون معلولیت مادرزادی بر اثر نارسایی های ژنتیکی، معلولیت متأثر از حوادث طبیعی و یا اعمال انسانی مانند حوادث ترافیکی، جنگ ها و غیره. با آنکه معلولیت تحرک بعضی از افراد را به اندازه های مختلف محدود می نماید، اما نباید پنداشت که معلولیت یعنی ناتوانی که این یک طرز فکر کاملاً بی اساس است. چه بسا افرادی که داری معلولیتند توانایی ها و استعدادهای دارند برتر از افرادی که غیر معلول. افراد دارای معلولیت دارای همان حقوق و امتیازهایی می باشند که دیگر افراد اجتماع از آن برخوردارند. و چون معلولیت زمینه فعالیت بعضی از افراد را محدود می نماید، بنابراین باید توجه ویژه به افراد دارای معلولیت صورت گرفته و سهولت های لازم برای پیشبرد یک زندگی عادی برای آنان مهیا گردد. اقدامات لازم جهت بهبود وضع اشخاص دارای معلولیت هنگامی موفق می شود که آگاهی لازم از وضعیت زندگی افراد دارای معلولیت و مشکلاتی که آنان با آن رو به رو هستند در دسترس باشد تا بر اساس آن برنامه ریزی دقیق طرح شود. بدین منظور، این تحقیق به بررسی وضعیت معلولان در خانواده و اجتماع می پردازد. اما قبل از آنکه به تفصیل روی این موضوع بحث شود لازم است تا معلومات مختصری در مورد معلولیت در افغانستان داشته باشیم.

بنابر آمار سازمان صحتی جهان، در حدود ۶۵۰ میلیون نفوس کل جهان را معلولان تشکیل می دهند. حدود ۸۰٪ این رقم در کشورهای رو به انکشاف زندگی می نمایند و یک سوم این افراد را اطفال تشکیل می دهند. اما در افغانستان، آمار موثقی در رابطه به تعداد افراد دارای معلولیت وجود ندارد. طبق آمار وزارت صحت عامه، ۵۹۹.۴۰۰ معلول در افغانستان بود و باش دارند در حالی که وزارت تعلیم و تربیت و UNICEF تعداد معلولان را به ۶۳۱۰۰۰ و UNPF ۸۰۷۳۰۰ تخمین زده اند.^۱ تعداد افراد معلول، نظر به زمان و تعریف معلولیت فرق می کنند. مثلاً انواع مختلف معلولیت ناشی از جنگهای سه دهه اخیر در افغانستان، در پنجاه سال قبل وجود نداشت و یا اینکه تعداد معلولیت بر اثر پولیو در حال حاضر بدون شک کمتر است از یک سده قبل. اما نداشتن آمار دقیق مشکلات نامطلوبی را در پی دارد چنانچه، هرگاه تعداد افراد دارای معلولیت را کمتر از تعداد واقعی آن در نظر گیرند در آن صورت، برنامه های مطروحه به وضعیت افراد دارای معلولیت رسیدگی نمی توانند و یا برعکس هرگاه تعداد اشخاص دارای معلولیت بیشتر از تعداد واقعی نشان داده شود، برنامه های مطروحه بیشتر از ضرورت طرح گردیده و یا باعث ضیاع وقت و امکانات می گردد. اگر چه بر این امر آگاهی که ارائه نمودن آمار کاملاً دقیق در وضعیت فعلی افغانستان شاید یک امر ناممکن تلقی شود اما با وجود این محدودیت ها باید تلاش در قسمت آمارگیری دقیق صورت بگیرد. طبق آمار مؤسسه بین المللی هندیکپ، ۶۵۵۹۳۰ معلول در افغانستان وجود دارد. که تمرکز معلولان در نقاط مختلف افغانستان متفاوت است^۲ چنانچه مناطق غربی و جنوبی افغانستان بیشترین تعداد معلولان را جای داده اند. و مناطق شرقی کمترین تعداد اشخاص دارای معلولیت را دارا اند.

^۱ مؤسسه بین المللی هندیکپ: ۲۰۰۵

^۲ مؤسسه بین المللی هندیکپ: ۲۰۰۵. page: 17. Towards well-being for Afghans with Disability

طبق آمار مؤسسه هندیکپ، معمولترین نوع معلولیت در افغانستان، معلولیت فیزیکی است (۳۶.۵٪). انواع دیگر معلولیت ها عبارتند از: معلولیت حسی، چون نابینایی و ناشنوایی (۲۵.۵٪)، معلولیت دماغی (۹.۸٪)، مرگی ۱۸.۸٪ و انواع دیگر ۹.۴٪. همچنین سروی این مؤسسه نشان می دهد که متداولترین نوع معلولیت در بین مردان به مقایسه زنان معلولیت فیزیکی (۷۲.۶٪) بوده و در بین زنان میرگی و یا سیژر متداولتر از مردان و انواع دیگر معلولیت ها است (۷۱.۸٪). بر علاوه، اطفال و کهن سالان بیشتر از گروه های سنی دیگر به معلولیت های حسی دچارند. از نگاه محل بود و باش نیز بین افراد دارای معلولیت تفاوت مهم آماری وجود دارد. بر اساس گزارش این سازمان، اشخاصی که دارای معلولیت های فیزیکی اند بیشتر در شهرهای افغانستان تمرکز دارند تا دهات و قصبات. فی صدی معلولان دماغی در شهر ها نیز بیشتر از دهات و اطراف شهر بوده. این در حالیست که تعداد خیلی کمی از شهر ها از امکانات عرضه خدمات صحی برای اشخاص دارای معلولیت دماغی برخوردارند. این نکته بحث را می کشاند به این سوال که آیا چه کسی در برابر افراد دارای معلولیت مسؤول است.

در اکثر جوامع پیشرفته و رو به انکشاف مسؤولیت فراهم نمودن سهولت های زندگی برای افراد دارای معلولیت متوجه دولت می باشد. که نقش دولت به طور مستقیم در راستای ارتقای کیفیت زندگی معلولان، همچون فراهم نمودن امکانات رهایشی، و غیر مستقیم چون زمینه سازی برای تسهیل فعالیت های دیگر ارگان ها می باشد. اما دولت افغانستان نتوانسته است که شرایط مناسب و قابل قبول زندگی را برای شهروندان معلول کشور فراهم نماید که می توان جنگ های متمادی طی سه دهه اخیر را تا حدی مسؤول این نارسایی خواند. فراهم نبودن تسهیلات برای معلولان و مشکلاتی که معلولان با آن رو به رو اند را نمی توان در اینجا یکایک برشمرد. مشکلاتی مانند غیر قابل دسترس بودن دوایر دولتی و رسمی به خاطر نداشتن سهولتهایی چون داشتن راه برای چوکی عرابه دار، و فراهم نمودن خدمات صحی و آموزشی از جمله تعداد بی شمار این چالش ها در برابر بهبود بخشیدن وضع افراد دارای

معلولیت در افغانستان است. اقدامات دولت افغانستان در این راستا تا اکنون چشمگیر نبوده است. به طور مثال دولت ماهانه حدود ۴۰۰ افغانی معاش برای یک شخص دارای معلولیت می دهد که این مقدار با توجه به نرخ مواد خوراکی و قیمت فراهم نمودن ضروریات زندگی همچون مسکن، خیلی ناچیز بوده، می توان گفت قابل چشم پوشی است. بنابراین هدف این تحقیق بررسی وضعیت معلولان در خانواده و اجتماع است تا بتوان تصویر دقیقی از مشکلاتی که معلولان با آن دست و گریبانند ارائه داد. این معلومات می تواند در جهت برنامه ریزی برای بهبود بخشیدن وضع اشخاص دارای معلولیت در افغانستان کاربرد مؤثری داشته باشد. هم دولت و هم ارگان های ذی ربط غیر دولتی می توانند که از یافته های این تحقیق جهت برنامه ریزی کاری شان استفاده نمایند.

روش تحقیق

تحقیق حاضر که یک تحقیق میدانی / ساحوی است، با استفاده از پرسشنامه هایی باسوالات بسته و از قبل کد گذاری شده، وضعیت اقتصادی و اجتماعی افراد دارای معلولیت و همچنان مشکلاتی را که این افراد در محیط های داخل خانه و خارج از آن با آن ها رو به رو اند مورد بررسی قرار می دهد.

مفهوم معلولیت. در میثاق بین المللی اشخاص دارای معلولیت^۳، معلولیت چنین تعریف شده است:

^۳ در این تحقیق کوشش گردیده تا حدامکان از عبارت "اشخاص دارای معلولیت" به عوض کلمه "معلولان" و با "افراد دارای معلولیت" استفاده گردد چون در قانون حقوق و امتیازات معلولان نیز "اشخاص دارای معلولیت" ذکر گردیده است.

" اشخاص دارای معلولیت اشخاصی اند که دارای عارضه طولانی مدت فیزیکی، حسی و یا ذهنی بوده و ممکن در تقابل با موانع مختلف در اثنای مشارکت کامل و موثر مبتنی بر اصل برابری با دیگران، تاخیر داشته باشند."

همچنان سازمان صحتی جهان، در سال ۱۹۸۱ معلولیت را چنین تعریف کرده است: "معلولیت عبارت است از مجموعه ای از عوامل جسمی، ذهنی، اجتماعی، و یا ترکیبی از آنها که به نحوی در زندگی شخص اثر سوء بر جا میگذارد و مانع ادامه زندگی وی به صورت طبیعی می شود."

در این تحقیق نیز معلولیت بر اساس تعاریف فوق مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته است. معلولیت دارای انواع مختلفی چون معلولیت های جسمی، حرکتی، ذهنی، حسی (به طور مثال بینایی و شنوایی) گفتاری و روانی است.

دیگر مفاهیمی که در تحقیق مکرر ذکر می شوند، عبارتند از خانواده و اجتماع. در این تحقیق "خانواده" عبارت است از اقارب و بستگانی که فرد معلول با آنها زندگی می کند و عضو آن خانواده می باشد. خانواده می تواند خانواده هسته ای یعنی شامل زن و فرزندان خود معلول و یا خانواده گسترده به شمول دیگر اعضای خانواده مانند برادر و زن برادر پدر کلان، مادر کلان، و دیگر اعضای فامیل باشد. منظور از "اجتماع"، بخصوص هنگامی که بحث در مورد مشکلات معلولان در اجتماع است، مجموع تمام افراد خارج از محوطه خانواده است، یعنی تمام افرادی که شخص معلول با آنها در محیط خارج از خانه برخورد می نماید.

جمعیت / جامعه آماری (Population)

جامعه آماری این تحقیق را همه افرادی که دارای حداقل یکی از انواع معلولیتها که در قبل به آن پرداختیم، داشته باشند تشکیل می دهد. در حقیقت جامعه آماری، به مجموع افرادی گفته می شود که مورد نظر تحقیق بوده و تحقیق در مورد آنان اجرا می

شود. اما چون در اکثر موارد، غیر ممکن است تا تمام افراد یک جامعه آماری را مورد بررسی قرار داد، از این جامعه، نمونه برداری گردیده، نمونه انتخاب شده مورد تحقیق قرار می گیرد.

نمونه آماری (Sample)

همانطوری که قبلاً به آن اشاره گردید، تحقیق در مورد هر فرد جامعه آماری مورد نظر در بسا موارد نظر به امکانات مالی، محدودیتهای زمانی و نیروی انسانی میسر نمی باشد. بنابراین پژوهشگر ناگزیر نمونه آماری انتخاب نموده، این نمونه را به نمایندگی از جمعیت آماری مورد تحقیق قرار دهد. اما نمونه آماری باید طوری انتخاب شود که نمایندگی از جمعیت آماری داشته باشد تا نتایج به دست آمده از پژوهش بتواند قابل تعمیم به جامعه آماری باشد. به طور مثال، اگر تمام افراد نمونه آماری را از میان معلولانی که در ولایت کابل بود و باش دارند انتخاب نماییم نمی توان یافته های تحقیق را بعداً به تمام معلولان در سر تاسر افغانستان تعمیم داد، زیرا که کابل با دیگر مناطق افغانستان مانند بامیان یا غور، مغایرتهای بارزی در مواردی چون زمینه اشتغال برای معلولان، سهولتهای صحتی و آموزشی و غیره دارد. بنابراین، نمی توان گفت مشکلاتی که معلولان کابل با آن رو به رو اند، همان مشکلاتی اند که معلولانی که در ولایت غور زندگی می کنند نیز با آن مواجهند.

با در نظر داشت این نکات در تحقیق، و با توجه به عناصر مختلف از قبیل: فرهنگ، زبان، و قومیت نمونه طوری انتخاب شده است که معرف جامع جامعه آماری تحقیق باشد و بزرگترین نمونه ممکن با در نظر داشت امکانات مالی و زمانی انتخاب گردیده است. چنانچه ۱۵۰۰ پرسشنامه در ۱۴ ولایت مختلف خانه پری شد که در این گزارش با تفصیل مورد تحلیل و ارزیابی قرار می گیرد. بر علاوه تهیه پرسشنامه ها از معلولان، خانواده های معلولان، و کارشناسان نیز پرسشنامه هایی را در رابطه به وضعیت

معلولان خانه پری نمودند. اما در این پژوهش به اطلاعاتی که از پرسشنامه های که خود معلولان خانه پری نموده اند بیشتر پرداخته شده است. زیرا معلولان خود را از مشکلاتی که با آن مواجهند بهترین و دقیقترین درک را دارند.

ساحه تحقیق: برای خانه پری پرسشنامه ها، چهارده ولایت انتخاب گردید. در این انتخاب سعی شده است تا نمونه آماری از همه افراد دارای معلولیت در افغانستان نمایندگی نماید. ولایات طوری انتخاب شده اند که از لحاظ قومی، زبانی و فرهنگی معرف و نمونه جامعه افغانستان باشند. در شهرهای بزرگ چون کابل، هرات و مزار شریف که قومتهای مختلف بود و باش دارند و رسوم و عنعنات متفاوت مروجند نیز این اصل مراعات شده است. این ولایات عبارتند از: کابل، هرات، بلخ، قندهار، ننگرهار، هلمند، لغمان، پکتیا، پروان، کندز، تخار، بادغیس و جوزجان.

شیوه جمع آوری اطلاعات: در این تحقیق برای جمع آوری اطلاعات از سه نوع پرسشنامه استفاده گردید:

۱. به طور مستقیم از خود افراد دارای معلولیت توسط پرسشگران پرسشنامه، خانه پری گردیده؛ سپس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.
۲. پرسشنامه ای مربوط به خانواده معلولان: از یکی از اعضای خانواده معلول راجع به وضعیت معلول در خانه و اجتماع خانه پری گردیده بعدا مورد تحلیل قرار گرفته است.
۳. نظرات صاحب نظران به عنوان افرادی که در رابطه با مسایل و مشکلات افراد دارای معلولیت آگاهی دارند به وسیله پرسشنامه ویژه نیز جمع آوری گردید.

از پرسشنامه های خانه پری شده توسط خانواده های معلولان و افراد متخصص معلومات مفیدی جمع آوری گردید، چون معلولان بیشترین معلومات دقیق را در رابطه

به زندگی و مشکلات شان می توانند ارائه بدهند بنابراین بر پرسشنامه های مربوط به معلولان بیشترین اتکا در جریان نوشتن این تحقیق صورت گرفته است.

قبل از آنکه به یافته های این تحقیق بپردازیم، سوالات عمده ای که این تحقیق بر هدف پاسخ دهی به آنها اجرا گردید قرار ذیلند:

الف. افراد معلول در افغانستان از چه خصوصیت‌های اجتماعی برخوردارند؟

ب. معلولان با چه مشکلاتی در محیط خانواده و اجتماع رو به رو اند؟

ت. آیا بین خصوصیت‌های اجتماعی همچون سواد، اشتغال و مشکلاتی که معلولان با آن برخورد می نمایند رابطه وجود دارد؟

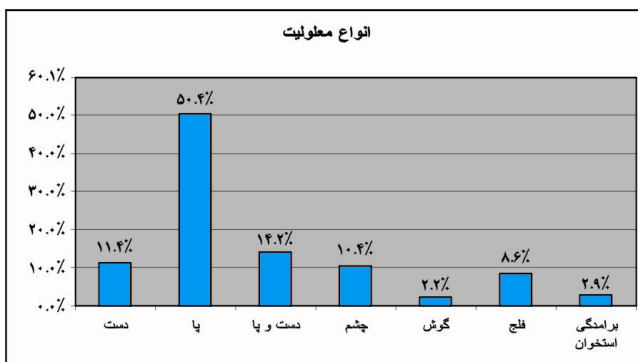
یافته های تحقیق

در این بخش به نتایج و معلوماتی که پس از بررسی داده ها و اطلاعات به آن دست یافته ایم اشاره می شود.

نوع معلولیت

نمودار زیر، انواع معلولیت را در بین پاسخ‌دهندگان این تحقیق نشان می دهد. چنانچه از این نمودار پیداست، معلولیت در پاها متداول ترین نوع معلولیت می باشد (۴۶.۸٪). این در مقایسه با معلولیت در دیگر اعضای بدن همچون دست (۱۰.۵٪) و یا چشم (۹.۶٪) که متداولترین دسته بندی را به درجه دوم و سوم تشکیل می دهند نسبتاً زیاد است

بررسی وضعیت اشخاص دارای معلولیت و مشکلات آنها در خانواده و جامعه



اما آیا تداول نوع مخصوصی از معلولیت، مثلاً معلولیت پا، وابسته به علت های معلولیت است یا خیر؟ به منظور بررسی بیشتر این نکته همبستگی^۴ بین نوع و علت های معلولیت سنجیده می شود.

جدول شماره ۱ همبستگی بین عوامل معلولیت و اعضای معلول

عضو متأثر از معلولیت	نوع معلولیت	حوادث ترافیکی و منازعات شخصی	حوادث منفرقه	مجموع تعداد	فی صدی مجموعی
پا	72.65%	5.39%	21.96%	501	100%
دست	69.09%	4.55%	26.36%	110	100%
دست و پا	62.14%	5%	32.86%	140	100%
چشم	50.50%	3.96%	45.54%	101	100%

^۴ "همبستگی" ترجمه اصطلاح "correlation" بوده این اصطلاح قبول شده آماری در کتب و رساله های زبان دری و فارسی استفاده گردیده است. بنابراین در این تحقیق از "همبستگی" به جای رابطه استفاده شده است.

بررسی وضعیت اشخاص دارای معلولیت و مشکلات آنها در خانواده و جامعه

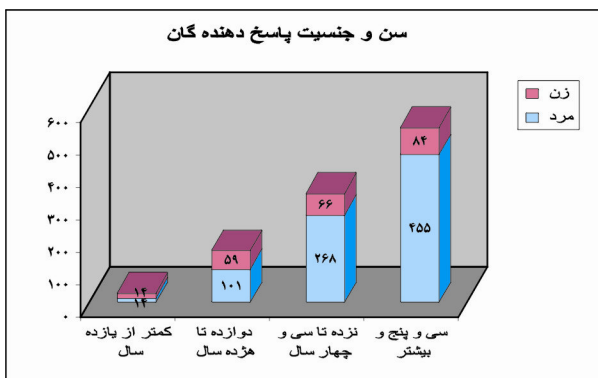
%	%	%		
100	22	77.27	9.09%	13.64
%	%	%		گوش
100	83	53.01	9.64%	37.35
%	%	%		فلج

جدول توافقی فوق نمایانگر آن است که بین اعضای معلول شده و دلایل معلولیت همبستگی آماری مهمی وجود دارد^۵. چنانچه از این جدول به مشاهده می رسد، تعداد معلولانی که جنگ را دلیل معلولیت شان در ناحیه دست و پا می دانند، زیادتز از تعداد منتظره است. به طور مثال، معلولیت در ناحیه پا، بر اثر جنگها، ۷۲.۶۵٪ بوده این بیشترین تعداد موارد ذکر شده در جدول و بخصوص در رابطه به موارد معلولیت بر اثر جنگهاست. بر اساس این یافته می توان اظهار داشت که برخورد با ماین ها باعث قطع دست و پا در نتیجه باعث معلولیت گردیده است. این در حالی است که حوادث متفرقه همچون حوادث طبیعی، معلولیتهای مادرزادی و معلولیت های ناشی از بیماری ها و غیره بیشتر باعث معلولیت در اعضای چون چشم، یا گوش و بر آمدگی استخوان و یا فلج می شوند تا معلولیت در دست و پاها. باتوجه به اینکه اکثر پاسخدهندگان علت معلولیت شان را جنگ های سه دهه اخیر در افغانستان می دانند، و معلولیت آنها اکثرا از ناحیه دست و پا می باشد، می توان چنین استنباط نمود که ممکن است معلولیت در ناحیه دست و پا بر اثر برخورد با ماین، و سایر مواد منفجره به وجود آمده باشد^۶.

^۵ روابط بین متغیرها در این تحقیق بر اساس آزمون "کای دو" سنجیده شده است. کای دو یک آزمون آماری که سطح اهمیت همبستگی بین متغیرها را تعیین می ند. و صرف آن عده از همبستگی ها در این گزارش تحریر شده اند که رابطه آماری مهمی را بر اساس آزمون کای دو، نشان داده اند. هر نوع رابطه بین دو متغیر وقتی رابطه و یا همبستگی مهم آماری شمرده شده است که احتمال اینکه رابطه تصادفی باشد کمتر از ۵٪ بوده است به عباره دیگر، ارزش کمتر و یا مساوی به ۰.۰۵ است. P
^۶ حوادث متفرقه می توانند حوادث طبیعی باشند مانند معلولیت بر اثر زلزله ها و سیلاب های شدید. برای جزئیات بیشتر به جدول شماره ۵ در ضمیمه رجوع نمایید.

سن و جنسیت پاسخ دهندگان

از میان ۱۰۸۲ نفر معلول که مورد پرسش قرار گرفته اند ۴۹.۸٪ بالاتر از ۳۵ سال و ۳۱.۱٪ بین ۱۹ تا ۳۴ سال سن دارند. براین اساس اکثر پاسخ گویان؛ ۸۰.۹٪، بیشتر از ۱۸ سال سن داشته اند. برعلاوه، ۷۸٪ پاسخدهندگان را مردان و ۲۱.۲٪ را زنان تشکیل می دهند. چنانچه نمودار ذیل نشان می دهد، بجز از گروه سنی کمتر از یازده سال تعداد مردان در هر گروه سنی دیگر بیشتر از تعداد زنان در همان گروه می باشد.



حالت مدنی: اکثریت پاسخدهندگان (۶۴٪) متأهلند. ۳۱٪ معلولان مجرد بوده، تعداد کمتری، ۳.۷٪، خود را بیوه معرفی نموده اند.

بر علاوه، معلولان در خانواده نقش پدر، مادر و یا دیگر اعضای خانواده را به عهده دارند (برای آمار مشخص تر لطفاً به جدول شماره ۱ در ضمیمه رجوع نمایید). معلولان نه تنها نقش های کلیدی، همچون پدر و مادر را در خانه ایفا نموده، بلکه اکثراً مسؤولیت و سرپرستی خانواده را نیز به دوش دارند. رویهمرفته ۶۵٪ پاسخگویان سرپرستی خانواده، چه خانواده هسته ای و یا گسترده را به عهده دارند. این امر خود

نمایانگر نقش فعال معلولان در خانواده و جامعه است و چون معلولیت در اغلب موارد می تواند باعث انواع گوناگون محدودیتهای، همچون محدودیت در زمینه های کاری، رو به رو شدن با مشکلاتی از قبیل اجرای امور عادی روزانه شود، پس تنها فرد معلول متأثر از این مشکلات بوده است بلکه خانواده وی نیز تأثیر پذیر می باشد بخصوص اگر که فرد معلول قسمت اعظم مسؤولیت خانواده را نیز به عهده داشته باشد. و همچنانی که از این تحقیق پیداست، اکثر معلولان مسؤول اعاده اعاشه خانواده نیز هستند. آیا معلولان به چه نوع مشکلاتی مواجهند و چه عواملی به طور مستقیم و یا غیر مستقیم بر آنها و خانواده آنها تأثیر گزار است؟ اینها سوالاتی هستند که در فرایند این پژوهش به آنها پرداخته می شود. اما قبل از این بحث به وضعیت و سطح تحصیلی معلولان می پردازیم.

وضعیت سواد معلولان

یافته های این تحقیق نشان می دهد که تفاوت ارقامی تعداد باسوادان و بیسوادان در میان معلولان تقریباً مساوی است. چنانچه ۴۳.۲٪ پاسخدهندگان باسواد و ۵۵.۹٪ اظهار نموده اند که بیسواد هستند. آن عده خود را باسواد معرفی نموده اند در رابطه با سطح سواد شان ۵۵.۹٪ اطلاعات نداده اند، ۱۹.۶٪ گفته اند سواد ابتدایی دارند و ۱۶.۶٪ سوادشان در سطح لیسه است. ۱.۷٪ معلولان باسواد را فارغان دانشگاه تشکیل می دهند و بقیه آنهایی که باسوادند در مکاتب خصوصی یا مدرسه دینی تحصیل نموده اند. این در حالی است که در جامعه کنونی افغانستان به طور مجموع صرف ۲۸٪ باسواد هستند^۷. بدین ترتیب، تعداد باسوادان در میان اشخاص دارای معلولیت بیشتر از تعداد باسوادان در جامعه است.

برای بررسی عمیق تر این موضوع پاسخدهندگان را از نگاه جنسیت و سن تفکیک می نمایم.

جدول شماره ۲

همبستگی بین سن و سواد مردان			
گروه های سنی	باسواد	بی سواد	مجموع
کمتر از یازده سال	8	6	14
دوازده تا هژده سال	66	34	100
نزده تا سی و چهار سال	123	143	266
سی و پنج و بیشتر	180	271	451
مجموع	377	454	831
همبستگی بین سن و سواد زنان			
گروه های سنی	باسواد	بی سواد	مجموع
کمتر از یازده سال	6	8	14
دوازده تا هژده سال	41	18	59
نزده تا سی و چهار سال	24	42	66
سی و پنج و بیشتر	10	72	82
مجموع	81	140	221

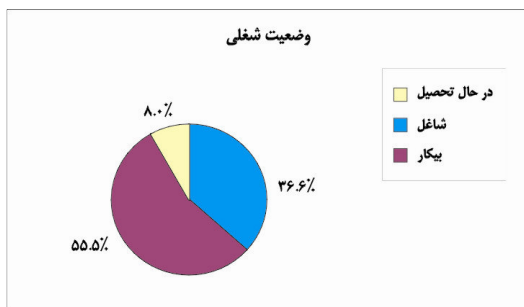
چنانچه از جدول توافقی فوق نمایان است، نتایج، حاکی از آن است که بین سن و سواد مردان و زنان همبستگی وجود دارد. این رابطه یا همبستگی طوری است که در گروه های سنی پایین تر نسبت بی سوادان نظر به باسوادان کمتر است، در حالی که در گروه های سنی بالاتر نسبت بی سوادان بیشتر از باسوادان می باشد. این همبستگی به هر دو گروه جنسی مردان و زنان صدق می کند. بررسی عمیق تر موضوع نشان می دهد که بین سواد و جنسیت نیز همبستگی وجود دارد. چنانچه تعداد بی سوادان مرد

نظر به بی سوادان زن کمتر است. بنابراین، نتایج حاصله نشان می دهد که سواد به سن و جنسیت معلولان بستگی دارد. رابطه بین سواد و متغیرهایی همچون شغل در بخش های بعدی این پژوهش بیشتر مورد تفحص قرار می گیرد، اما قبل از آن وضعیت اقتصادی معلولان را به بحث می گیریم.

اما داشتن سواد با محل بود و باش نیز رابطه دارد چنانچه در بعضی از ولایات افغانستان، تعداد معلولان باسواد بیشتر از برخی دیگر از ولایات است. بلخ با داشتن (۶۹.۴۴٪ معلولان باسواد) در مقایسه با دیگر ولایت افغانستان دارای بیشترین تعداد معلولان باسواد است، کابل (۶۳.۸۳٪)، کندز (۴۶.۱۵٪) و هرات (۴۵.۱۲٪) در ردیف های دوم، سوم و چهارم قرار می گیرند. (برای معلومات راجع به ولایات دیگر لطفاً به جدول شماره ۲ در ضمیمه رجوع کنید)

وضعیت اقتصادی

برای بررسی وضعیت اقتصادی از شاخص های شغل، درآمد و برداشت معلولان از وضعیت اقتصادی شان استفاده شده است.



همانطوری که از نمودار فوق معلوم می شود، اکثر اشخاص دارای معلولیت بیکار اند. و از جمله آن عده از پاسخدهنگانی که شاغل هستند. داشتن شغل آزاد از متداول

ترین نوع اشتغال در بین اشخاص دارای معلولیت است. چنانچه ۲۱٫۹٪ شغل آزاد دارند، ۵٫۵٪ کارمند دولت و ۳٫۸٪ پاسخگویان کارمند مؤسسات مختلفند. همچنان از جمله شاغلین ۵٫۱٪ استاد و معلم هستند^۸. اما چرا معلولان بیکارند؟ آیا معلولیت دلیل بیکاری شان است؟ سوال دیگری که این نکته را پیگیری می کند نشان می دهد که از آن عده اشخاص دارای معلولیت که خود را بیکار معرفی نموده اند، ۳۸٫۹٪ معلولیت را دلیل بیکاری خویش دانسته اند و ۱۲٫۵٪ نبودن شغل و امکانات کاری را سبب بیکاری خویش می دانند^۹.

داشتن و یا نداشتن شغل نمی تواند وضعیت اقتصادی معلولان را به طور واضح نشان دهد. درآمد ماهوار، شاخص دیگری است که در رابطه به وضعیت اقتصادی معلولان بررسی گردید.

جدول شماره ۳

تعداد پاسخ دهندگان	فی صدی	میزان درآمد ماهانه
271	25.4%	۱۰۰۰ و کمتر
281	26.3%	1100 - 3500
46	4.3%	3500 - 10000
8	0.7%	10500 - 19000
5	0.5%	20000 بیشتر از
457	42.8%	بدون درآمد
1068	100%	مجموع

^۸ ۵۹٫۲٪ از پاسخ دهندگان نوعیت شغل شانرا اظهار نداشته اند.

^۹ ۴۲٫۹٪ در پاسخ به این سوال که چرا بیکار هستند جوابی ارائه نموده اند

همانطوری که از جدول فوق نمایان است، ۵۱.۷٪ اشخاص دارای معلولیت، در آمد شان کمتر از ۳۵۰۰ افغانی در ماه است و تعداد خیلی کمی از پاسخدهندگان درآمد زیادی در ماه دارند. این در حالی است که ۴۲.۸٪ اشخاص هیچ درآمد ماهواری ندارند. چون تعدادی از پاسخدهندگان را اطفال تشکیل می دهند، بنابراین ممکن است که در میان آن عده از پاسخدهندگانی که درآمد ندارند اطفال شامل باشند. اما در حقیقت معلولانی که سن شان کمتر از ۱۸ سال است، صرف ۶.۶۵٪ پاسخدهندگان را تشکیل می دهند. بنابراین اکثریت مطلق بیکاران را معلولان بزرگسال تشکیل می دهند. آیا داشتن درآمد ماهوار و شاغل بودن دلیل بر رفاه اقتصادی فرد معلول است؟ بعضی از معلولان در خانواده های زندگی می کنند که تعداد اعضای خانواده زیاد می باشد. به طور مثال، ۷۹.۴۸٪ از معلولان در خانواده های زندگی می کنند که تعداد اعضای خانواده بیشتر از ۶ نفر است. و با توجه به اینکه میزان در آمد خانواده های اشخاص دارای معلولیت کم است و تعداد اعضای خانواده زیاد، تعجیبی ندارد که پاسخدهندگان از وضعیت اقتصادی شان شاکی باشند. چنانچه اکثریت عمده معلولان (۷۲.۶٪) وضعیت اقتصادی خویش را ضعیف توصیف نموده اند. زندگی در خانواده های بزرگ بر فشار اقتصادی وارده ناشی از بیکاری و در آمد کم می افزاید.

شاخص دیگری که در رابطه مورد پژوهش قرار گرفت عبارت از مالکیت وسایل نقلیه است. دلیل انتخاب این شاخص بدین جهت بود که داشتن این وسایل برای اکثر اشخاص دارای معلولیت، بخصوص آنانی که از ناحیه پاها معلول هستند، در بسا موارد شرط است زیرا که این وسایل سهولت های چشمگیری را برای معلولان می توانند فراهم نمایند. با آنکه اکثریت پاسخگویان از ناحیه پا معلول هستند، صرف ۴.۷٪ از چوکی عرا به دار (ولچر) استفاده می نمایند. ۶.۸٪ از عضا استفاده نموده و بقیه معلولان از هیچ نوعی وسیله نقلیه مرتبط به معلولیت شان استفاده نمی نمایند.

مشکلات اشخاص دارای معلولیت در خانواده و اجتماع

یکی از اهداف عمده این تحقیق بررسی برخورد اجتماع و خانواده با اشخاص دارای معلولیت است. آیا با این اشخاص در محیط خانواده و خارج از آن (محیط اجتماعی) برخورد مناسب صورت می گیرد یا خیر؟ اگر معلولان مورد آزار و اذیت قرار می گیرند، آیا این برخورد بیشتر از جانب خانواده و یا اجتماع است؟

مشکلات در محیط خانواده: از یافته های این پژوهش تصویری نسبتاً خوشبینانه به دست می آید، بدین جهت که اکثریت مطلق معلولان (۹۱.۳۵٪) اظهار داشته اند که از برخورد اعضای خانواده خود راضی هستند، و صرف ۸.۶۵٪ پاسخدهندگان این پژوهش از برخورد اعضای خانواده اظهار نارضایتی نموده اند. با توجه به اینکه اکثریت اشخاص دارای معلولیت در وضعیت اقتصادی ضعیفی بسر می برند، شاغل نبوده و تعداد اعضای فامیل شان زیاد می باشد با آنهم آنها از برخورد خانواده های خویش راضی اند. در ادامه تجسس در مورد وضع اشخاص دارای معلولیت، سوالات دیگری نیز مطرح شدند که مشخصاً به انواع خشونت علیه معلولان در خانواده و اجتماع می پردازند. آن عده از اشخاص دارای معلولیت که از برخورد اعضای خانواده خویش ناراضی اند—باید خاطر نشان ساخت که این گروه از پاسخدهندگان در مقایسه معلولانی که از برخورد خانواده خویش راضی اند، به اقلیت قرار دارند—از مواردی چون خشونت های جسمی، خشونت های لفظی، و سلب آزادی شان به وسیله خانواده خبر می دهند.

جدول شماره ۴: مشکلات معلولان در محیط خانواده		
خانواده مسؤوّل خشونت های فیزیکی		
تعداد	فیصدی	
39	27.1%	لت و کوب
71	49.3%	زدن با چوب و سنگ
10	6.9%	پاره کردن لباسها و تخریب اشیای شخصی
8	5.6%	حبس و سوزانیدن
16	11.1%	همه موارد

بررسی وضعیت اشخاص دارای معلولیت و مشکلات آنها در خانواده و جامعه

100%	144	مجموع
خانواده، مسؤل خشونت‌های لفظی		
6.3%	23	سرزنش کردن
67.0%	244	توهین کردن و طعنه زدن
26.6%	97	بی توجهی و بی‌اعتنایی
100%	364	مجموع
خانواده، مسؤل سلب آزادی‌های فردی		
70.8%	114	منع از ظاهر شدن در مجامع عمومی
9.3%	15	منع از رفتن در خانه دوستان
19.9%	32	منع از شرکت در مهمانی‌ها
100%	161	مجموع

چنانچه از جدول فوق معلوم می‌شود اکثریت اشخاص دارای معلولیت مورد خشونت‌های لفظی قرار می‌گیرند. سلب آزادی‌های فردی به وسیله خانواده و خشونت‌های فیزیکی در ردیف‌های دوم و سوم موارد ذکر شده واقع شده و از جمله خشونت‌های فیزیکی زدن اشخاص دارای معلولیت با چوب و سنگ از معمول‌ترین نوع آن می‌باشد. همچنان توهین و طعنه زدن به پاسخ‌دهندگان از موارد متداول خشونت‌های لفظی‌اند. خانواده همچنان در بعضی موارد، باعث سلب آزادی‌های فردی می‌گردد چنانچه، اکثریت مطلق اشخاص دارای معلولیت که از رفتار خانواده ناراضی‌اند اظهار داشته‌اند که خانواده‌های شان از ظاهر شدن آنها در مجامع و مراسم عمومی مانع می‌شوند.

افراد دارای معلولیت همچنان در محیط اجتماع با موارد مختلف خشونت‌ها رو به رو می‌گردند که در بحث آینده به تفصیل به آن می‌پردازیم.

مشکلات معلولان در اجتماع: در مقایسه با مشکلات در خانواده، اشخاص دارای معلولیت با مشکلات بیشتری در اجتماع رو به رو می شوند. این تفاوت در موارد خشونت‌های لفظی برجسته تر است. به طور مثال، ۸۰۸ پاسخ‌دهنده از خشونت‌های لفظی اجتماع خبر می دهند در حالی که صرف ۳۶۴ پاسخ‌دهنده از این نوع خشونت‌ها در خانواده شاکی اند. انواع خشونت‌های لفظی در اجتماع عبارتند از: توهین و تحقیر فرد معلول، طعنه دادن و ترحم بیجا. گذشته از اینها، اشخاص دارای معلولیت در محیط اجتماعی با انواع خشونت‌های فیزیکی نیز مواجه می گردند. متداول ترین نوع خشونت‌های فیزیکی عبارت است از زدن اشخاص دارای معلولیت با سنگ و یا چوب. که این نوع خشونت فیزیکی در بین موارد خشونت‌های خانوادگی نیز بیشترین موارد را تشکیل می دهد. توهین و تحقیر شخص دارای معلولیت نوع دیگر خشونت است که بیشتر از موارد دیگر خشونت های لفظی از آن نام برده شده است. افزون بر این، در بعضی از موارد، به اشخاص دارای معلولیت اجازه شرکت در مراسم رسمی و جلسات عمومی داده نمی شود. آن عده از پاسخ‌دهندگانی که اظهار داشته اند از رفتن شان به زیارتگاه ها جلوگیری به عمل می آید به مقایسه گزینه های دیگر خشونت در اقلیت قرار دارند.

جدول شماره ۵: مشکلات معلولان در محیط اجتماعی		
جامعه، مسؤول خشونت‌های جسمی	تعداد	فیصدی
لت و کوب	25	13.8%
زدن با چوب و یا سنگ	95	52.5%
پرتاب کردن اشیا به طرف شخص معلول	61	33.7%
مجموع	181	100%
جامعه، مسؤول خشونت‌های لفظی		
توهین و تحقیر کردن	453	56.1%
طعنه دادن	254	31.4%
ترحم بی جا	101	12.5%

بررسی وضعیت اشخاص دارای معلولیت و مشکلات آنها در خانواده و جامعه

مجموع	808	100%
جامعه، مسؤول سلب آزادیهای فردی		
اجازه ندادن در مراسم رسمی و جلسات عمومی	107	92.2%
منع رفتن به زیارتگاه ها	9	7.8%
مجموع	116	100%

چنانچه در این آمار نشان داده شده است، تعداد بیشتری از اشخاص دارای معلولیت از برخورد اجتماع ناراضی اند. که این موضوع قابل نگرانی است. یک شخص دارای معلولیت دارای همان حق و امتیاز را در اجتماع دارد که یک فرد غیر معلول دارنده آن است. معلولیت دلیل بر ناتوانی نیست و همانطوری که از یافته های این تحقیق پیداست بیشتر معلولان نقش فعالی در خانواده داشته و در بسا موارد سرپرست خانواده نیز می باشند. گذشته از اینها سطح سواد در بین معلولان نسبت به جامعه در مجموع بلندتر است.

بنابراین اشخاص دارای معلولیت یک گروه فعال و با سواد جامعه می باشند. نقض حقوق فردی، رفتار نامطلوب اجتماع در برابر معلولان، توهین و تحقیر و آزار فیزیکی معلولان بیانگر پایین بودن سطح آگاهی مردم است. خشونت‌های جسمی و لفظی تنها روش برخورد ناپسند با معلولان نبوده بلکه تعدادی از معلولان، ۱۱۶ نفر از انواع سلب آزادی های فردی همچون سلب حق اشتراک در مراسم رسمی، جلسات عمومی و یا زیارتگاه ها خبر می دهند. اگرچه تعداد این نوع موارد در مقایسه با انواع دیگر خشونت‌ها علیه معلولان زیاد نیست، اما مانع شدن از اشتراک معلولان در مجامع عمومی می تواند دلیل بر فراهم نبودن امکانات مخصوص برای اشخاص دارای معلولیت باشد. به طور مثال اگر محفل ادبی در منزل دوم یک تعمیر برگزار می گردد و این تعمیر امکانات آن را ندارد تا اشخاصی را که از چوکی عرابه دار استفاده می کنند به منزل دوم راه دهد، پس اشخاص دارای معلولیت نمی توانند در چنین اجتماع فرهنگی اشتراک ورزند. اما

اگر از اشتراک اشتراک اشخاص دارای معلولیت، نه بر اساس امکانات، بلکه صرف به خاطر معلول بودن آنها ممانعت به عمل آید، این یک عمل غیر انسانی، و مخالف عرف اسلامی و فرهنگی جامعه افغانستان است. موضوع منع تبعیض علیه اتباع افغانستان در قانون اساسی افغانستان ذکر شده است. بر اساس ماده بیست و دوم قانون اساسی افغانستان: "هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است."

اما آیا مشکلاتی که اشخاص دارای معلولیت در خانواده و اجتماع رو به رو می شوند وابسته به نوع معلولیت آنهاست؟ مثلاً انتظار می رود که معلولان عصبی و روانی بیشتر مورد توهین و تحقیر قرار گیرند. اما وقتی آزمونهای وابستگی صورت گرفت بین نوع معلولیت و مشکلات اجتماعی که اشخاص دارای معلولیت به آن رو به رو هستند و در فوق راجع به آنها بحث صورت گرفت، کدام همبستگی مهمی وجود ندارد. قابل یادآوری است که اعضای خانواده اشخاص دارای معلولیت نیز، ۳۰.۴٪ بیان داشته اند که آنها مورد تحقیر قرار می گیرند. رویهمرفته پاسخدهندگان از رفتار و برخورد خانواده راضی بوده در حالی که از رفتار و برخورد اجتماع ناراضی می باشند. از مقایسه دو سوال که از نحوه برخورد خانواده و اجتماع از پاسخگویان شده بود، ۸۳.۲۲٪ از برخورد اجتماع ناراضی بوده اند این در حالی است که صرف ۲۳.۷٪ از نحوه برخورد خانواده خود ناراضی می باشند. در مجموع انواع خشونت‌های لفظی هم در اجتماع و خانواده معمول ترین نوع مشکلاتی اند که در فوق روی آنها بحث گردید.

باید خاطر نشان ساخت که مشکلات اشخاص دارای معلولیت با بر شمردن برخورد های ناپسند در محیط خانه و اجتماع ختم نمی شود، بلکه این اشخاص با مشکلات دیگری همچون دسترسی به خدمات صحی مطابق به وضعیت شان و دریافت کمک‌های انسانی و اجتماعی نیز رو به رو اند که در ذیل راجع به این موضوع بحث می گردد.

خدمات صحی و اجتماعی

اندکی بیش از نیمی پاسخدهندگان، ۵۱.۴۸٪، اظهار داشته اند که به خدمات صحتی دسترسی ندارند و اگر که نمونه آماری نماینده طبقه معلول در افغانستان باشد، پس می توان برداشت نمود که کمتر از نیمی از اشخاص دارای معلولیت افغانستان از خدمات صحتی محرومند. آماده نمودن خدمات صحتی برای تمام شهروندان افغان وظیفه دولت افغانستان می باشد. مسؤولیت یک دولت در قبال این امر، در میثاق های بین المللی نیز ذکر گردیده است. چنانچه در ماده ۲۵ «میثاق بین المللی حقوق اشخاص دارای معلولیت» توصیه شده است که دولت ها باید برای دسترسی اشخاص دارای معلولیت به خدمات صحتی تلاش نمایند و در بعضی موارد حتی تاکید شده است که خدمات صحتی باید به صورت رایگان در اختیار اشخاص دارای معلولیت گذارده شود. اما از یافته های این تحقیق چنین بر می آید که آن عده از کسانی که کمکهای صحتی دریافت می نمایند این کمکها به وسیله نهاد های غیر دولتی به دسترس آنها قرار می گیرد و صرف ۱۲.۴۱٪ از خدمات صحتی دولتی استفاده می نمایند. ۷۱.۴۵٪ از مصارف شخصی، ۱۶.۰۴٪ از مؤسسات و نهاد های اجتماعی این خدمات را دریافت می کنند. ازین قرار بیشتر پاسخدهندگان مجبورند که شخصاً مصارف خدمات صحتی را متقبل شوند این در حالی است که اکثر اشخاص دارای معلولیت در شرایط اقتصادی ضعیفی بسر می برند.

رابطه بین مشکلات معلولان و متغیر های جنسیت، سواد، اشتغال و وضعیت اقتصادی

مشکلاتی که معلولان با آنها مواجهند، مشکلاتی اند که با عناصر و متغیرهای اجتماعی در ارتباطند و این مشکلات ریشه در بسا مسائل دیگر دارند که اگر ریشه یابی نگردند و توجه لازم به عناصر مرتبط به این مشکلات صورت نگیرد، هر نوع اقدامی که برای برانداختن این مشکلات پیش گرفته شود کاربرد نخواهد داشت و ممکن است

منجر به ناکامی گردد. لذا اول باید دانست که مشکلاتی که اشخاص دارای معلولیت با آن رو به رو هستند به چه متغیرها و عوامل دیگری وابسته اند.

۱. جنسیت

جنسیت یکی از متغیرهای عمده است که بر اساس آن بسا تبعیضها و تفاوتها در جامعه بین زن و مرد ایجاد می شود. جامعه افغانستان به طور عموم یک جامعه مردسالار و سنتی بوده و در بسیاری از موارد زنان مورد تبعیض قرار می گیرند. به همین روال، جنسیت باعث می گردد تا معلولان مرد و زن از لحاظ کمکهایی که دریافت می کنند، برخورد اجتماعی، درآمد و بسا موارد دیگر با هم تفاوت داشته باشند. چنانچه از یافته های این پژوهش بر می آید، که زنان معلول بیشتر از مردان متحمل بیکاری اند. جدول شماره ۶ نمایانگر آن است که نسبت بیکاری در بین زنان معلول بیشتر از مردان معلول است و این همبستگی آماری، یک همبستگی معنی دار آماری می باشد، یعنی اینکه همبستگی بین بیکاری و متغیر جنسیت بر اساس شانس به وجود نیامده است. جنسیت با سواد نیز رابطه دارد که این موضوع در بخشهای قبل مورد بحث قرار گرفت. چون سواد و شغل با درآمد همبستگی دارند، بنابراین جای تعجب نیست که می بینیم جنسیت با میزان درآمد نیز وابستگی دارد.

جدول شماره ۶ همبستگی بین جنسیت، عاید ماهوار و اشتغال			
اشتغال	مرد	زن	مجموع تعداد
بیکار	57.5%	70.9%	589
شاغل	42.5%	29.1%	389
مجموع	100.0%	100.0%	978
عاید ماهوار			
بی عاید	35.9%	67.4%	451
0-999	28.1%	15.6%	280

بررسی وضعیت اشخاص دارای معلولیت و مشکلات آنها در خانواده و جامعه

46	12.5%	30.1%	1000-3499
8	2.2%	4.9%	3500-9999
5	0.5%	0.8%	10000-18999
270	1.8%	0.1%	19000+
1,060	100%	100%	مجموع

تعداد زنان در تمام گزینه های درآمد، نسبت به تعداد مردان کمتر است. که این خود نشاندهنده تمرکز زنان معلول در شرایط نامطلوب بیکاری، بیسوادی و درآمد کم است. قابل توجه است که یافته ها نشان می دهد که جنسیت با نحوه برخورد اجتماع با اشخاص دارای معلولیت نیز رابطه دارد. بدین مفهوم که مردان معلول بیشتر از زنان مورد لت و کوب و پرتاب سنگ از سوی مردم در بیرون از خانه قرار می گیرند. درحالی که تعداد زنانی که از این نوع موارد شکایت داشته باشند کمتر از مردان است. ممکن است در اولین نگاه به این موضوع، این فکر در مغز ما خطور کند که شاید اجتماع به زنان دارای معلولیت بیشتر از مردان دارای معلولیت احترام قائل است، اما از این امر که زنان کمتر در اجتماعات خارج از محیط خانه ظاهر می شوند نباید غافل بود. در محیط اجتماعی افغانستان که یک محیط بسته بوده، زمینه فعالیت های اجتماعی برای زنان محدود است، زنان دارای معلولیت نظر به زنانی که معلولیت ندارند شاید بیشتر به موانع برخورد نمایند. همبستگی بین جنسیت و مشکلاتی که معلولان در اجتماع بان برخورد می نمایند پیچیده تر از موارد بحث شده است. به طور مثال مردان دارای معلولیت بیشتر از زنان دارای معلولیت مورد توهین و طعنه قرار می گیرند در حالی که زنان دارای معلولیت بیشتر از مردان دارای معلولیت به ترحم بیجا از سوی اجتماع مواجه می شوند. جنسیت با سلب آزادی های فردی نیز همبستگی دارد. اما در چنین مواردی زنان دارای معلولیت بیشتر از مردان دارای معلولیت با مواردی همچون سلب آزادی های فردی برخورد می نمایند.

در مجموع، زنان و مردان معلول با مشکلات خاصی در اجتماع رو به رو اند که این نوع مشکلات همچنانی که در بالا به آن پرداخته شد، به جنسیت وابستگی دارد. گذشته از اینها، زنان دارای معلولیت کمتر از مردان دارای معلولیت از مراکز دولتی انواع مختلف کمکها را دریافت می کنند. به طور مثال ۷۸.۵۷٪ دریافت کنندگان کمک های دولتی مردان بوده، صرف ۲۳.۴۳٪ آنها را زنان تشکیل می دهند. به همین ترتیب مرد ها بیشتر از زنها از کمکهای نهادهای اجتماعی و مراکز غیر دولتی مستفید می گردند (۷۳.۲۴٪ مردان در مقایسه با ۲۶.۷۶٪ زنان). نسبت دریافت کمک، کمکهای آموزشی، صحتی و نقدی با توجه به جنسیت، در بین زنان و مردان فرق می کند. لذا هم مراکز دولتی و هم نهادهای اجتماعی که خدمات مختلفی را به اشخاص دارای معلولیت عرضه می دارند باید به موضوع جنسیت به صورت حتمی توجه نمایند چه به طور خواسته و یا ناخواسته زنان و مردان دارای معلولیت به کمکهای عرضه شده به طور برابر دسترسی ندارند. متأسفانه درین پژوهش زمینه کاوش عمیق تر این موضوع و هم اینکه چرا بین مردان و زنان معلول و کمکهای دریافت شده فرق است، میسر نبوده است. بعد از بررسی متغیر جنسیت می پردازیم به موضوع سواد و اینکه آیا سواد فرد معلول کدام وابستگی به مشکلات وی دارد یا خیر؟

۲. سواد

متغیر سواد با عواملی چون شغل، میزان درآمد، نحوه برخورد اجتماع و خانواده همبستگی دارد. از یافته های این پژوهش چنین بر می آید که اشخاص دارای معلولیت که از سواد برخوردار نیستند بیشتر احتمال آن را دارند که بیکار باشند نسبت به اشخاص دارای معلولیت که سواد دارند. چنانچه صرف ۲۹.۴٪ پاسخدهندگان باسواد بیکارند در حالی که ۷۰.۶٪ پاسخدهندگان بیسواد بیکار هستند. سواد احتمال اشتغال را برای اشخاص دارای معلولیت زیاد می کند. علاوه بر این، سواد با میزان درآمد نیز همبستگی دارد چنانچه پاسخدهندگان باسواد درآمد بیشتری از پاسخدهندگان بیسواد دارند و تعداد پاسخدهندگان باسواد که اظهار داشته اند هیچ نوع درآمدی ندارند خیلی کمتر از

پاسخدهندگان بیسوادی است که گفته اند درآمد ندارند. برای جزئیات بیشتر لطفاً به جدول زیر رجوع نمایید.

جدول شماره ۷: همبستگی بین سواد و عاید ماهوار به افغانی

مجموع	بیسواد	باسواد	عاید ماهوار به افغانی
456	48.7%	35.7%	بی عاید
280	28.8%	20.0%	0-999
45	20.2%	34.6%	1000-3499
8	1.7%	7.6%	3500-9999
5	0	2%	10000-18999
265	1%	0%	19000+
1059	100%	100%	مجموع

سواد و نحوه برخورد خانواده با شخص دارای معلولیت: سواد بر علاوه با عواملی همچون نحوه برخورد خانواده و اجتماع با اشخاص دارای نیز ارتباط دارد. چنانچه پاسخدهندگان باسواد بیشتر از پاسخدهندگان بیسواد از نحوه برخورد خانواده خود اظهار رضایت دارند. این امر در مواردی همچون خشونت علیه اشخاص دارای معلولیت به وسیله خانواده نیز صدق می کند. پاسخدهندگان باسواد کمتر از برخورد خشونت آمیز همچون طعنه زدن، توهین و تحقیر شدن در خانواده خبر می دهند. گذشته ازینها آن عده از اشخاص دارای معلولیت که سواد ندارند، بیشتر از اشخاص دارای معلولیتی که سواد دارند اظهار داشته اند که خانواده آنها مانع از اشتراک شان در محافل و مجالس عمومی گردیده و یا آنها را از رفتن به زیارتگاه ها باز می دارد. اما نحوه برخورد خانواده با فرد معلول می تواند با سطح سواد افراد خانواده نیز وابستگی داشته باشد. اما بررسی

این موضوع به طور عمیق تر و تجسس این وابستگی در این پژوهش ممکن نیست چون معلومات در باره سطح سواد تمام افراد خانواده معلول جمع آوری نگردیده بود. ولی می توان اظهار داشت که اگر یک فرد معلول باسواد است ممکن دیگر اعضای خانواده نیز باسواد باشند و یا اینکه داشتن سواد فرد معلول باعث برخورد بهتر خانواده با وی می گردد. در هر صورت سواد تا حدی از برخورد ناپسند در بین خانواده جلوگیری می نماید. ولی آیا اجتماع برخورد متفاوتی را در برابر معلولان باسواد و بیسواد در پیش می گیرد؟

جدول شماره ۸: همبستگی بین سواد و موارد خشونت

خشونت های لفظی توسط خانواده	باسواد	بیسواد	مجموع	فی صدی
سرزنش کردن	43.5%	56.5%	23	100%
توهین کردن و طعنه زدن	34.2%	65.8%	240	100%
بی توجهی و بی اعتنائی	41.7%	58.3%	96	100%
سلب آزادی های فردی توسط خانواده				
منع اشتراک در مجامع عمومی	31.3%	68.8%	112	100%
منع از رفتن در خانه دوستان	40.0%	60.0%	15	100%
منع اشتراک در مهمانیها	25.0%	75.0%	32	100%
موارد خشونت توسط جامعه				
توهین و تحقیر کردن	45.9%	54.1%	451	100%

100%	251	64.9%	35.1%	طعنه دادن
100%	101	62.4%	37.6%	ترحم بی جا

سواد و نحوه برخورد اجتماع با شخص دارای معلولیت: از یافته های این پژوهش چنین برمی آید که آن عده از اشخاص دارای معلولیت که باسوادند کمتر از پاسخدهندگان بیسواد مورد خشونت های لفظی در اجتماع قرار می گیرند. این در حالی است که خشونت های فیزیکی با سواد همبستگی ندارد. برای جزئیات بیشتر به جدول شماره ۸ رجوع کنید. اما چرا اشخاص دارای معلولیت باسواد کمتر با خشونت های لفظی مواجهند؟ یکی از دلایل می تواند این باشد که پاسخدهندگان باسواد بیشتر شاغل بوده لذا در محیط کاری خود با افرادی سر و کار دارند که آنها خود نیز باسواد بوده و یا درک بالاتری از معلولیت دارند. همچنان آن عده از اشخاص دارای معلولیت که شاغلند کمتر در محیط کوچه و بازار وقت خود را سپری می نمایند، بنابراین کمتر با مواردی مواجه می شوند که خشونت برانگیز باشد. برعلاوه، هم اینکه می توان گفت پاسخدهندگانی که گفته اند باسوادند و مشغول فراگیری دانش در مکتب و یا دانشگاهند، با افراد با سواد معاشرت می نمایند که این خود می تواند از میزان برخوردهای خشونت آمیز بکاهد.

سواد بر علاوه بر عواملی چون استفاده و دریافت کمک های مختلف تأثیر دارد. به طور مثال، پاسخدهندگانی که سواد ندارند نظر به پاسخدهندگان باسواد کمتر کمک دریافت نموده اند. احتمال دریافت انواع کمکها از قبیل کمکهای آموزشی، نقدی، تهیه پوشاک و خوراک، کمکهای صحتی و غیره برای پاسخدهندگان باسواد نظر به پاسخدهندگان بیسواد بیشتر است. به طور عموم، اشخاص دارای معلولیت که بیسواد اند بیشتر از آن عده که با سوادند به کمکهای غیر رسمی اتکا می نمایند. حال آنکه پاسخدهندگان باسواد از این نوع سهولت ها که به وسیله مراکز دولتی و یا ارگانهای غیر دولتی تهیه می گردد مستفید می گردند.

جدول شماره 9 در صورت دریاقت کمک منابع کمک دهنده را نام ببرید				
فیصدی	مجموع	بیسواد	باسواد	
100%	29	51.7%	48.3%	شخصی
100%	148	63.5%	36.5%	دولتی
100%	153	37.9%	62.1%	مؤسسات

همانطوری که در قبل به آن اشاره گردید سواد با اشتغال نیز در ارتباط می باشد. برای بررسی بیشتر عنصر شغل، بحث آینده را به این موضوع اختصاص داده ایم. سوالاتی که درین بخش مطرح می شوند عبارتند از: آیا داشتن یک شغل از مشکلاتی که فرد معلول به آن رو به رو است می کاهد؟ آیا معلولانی که شاغلند از خانواده و اجتماع راضی ترند نسبت به معلولانی که بیکارند؟

۳. اشتغال

شغل و رفتار خانواده و اجتماع: شغل با نحوه رفتار خانواده و اجتماع یک همبستگی مهم آماری دارد. چنانچه از جدول شماره ۹ پیداست، افراد شاغل نسبت به افراد بیکار کمتر با انواع خشونت ها هم در خانواده و هم در اجتماع مواجهند. شغل با تمام گزینه های خشونت چون خشونت لفظی، خشونت فیزیکی و سلب آزادی های فردی به وسیله خانواده همبستگی دارد در حالی که اشتغال تنها با نوع لفظی خشونت اجتماعی رابطه دارد. این بدین معنی که افراد معلول شاغل کمتر نسبت به افراد معلول بیکار از طرف اجتماع مورد خشونت های لفظی قرار می گیرند (37.56٪ شاغل در مقایسه با 62.44٪ بیکار). به طور مثال افراد شاغل نسبت به افراد بیکار کمتر مورد لت و کوب قرار گرفته، توهین و تهقیر می شوند و یا از اشتراک آنها در مجامع عمومی

جلوگیری به عمل می آید. (جدول شماره ۳ در ضمیمه رابطه بین اشتغال و موارد خشونت توسط اجتماع را نشان می دهد)

جدول شماره 10 همبستگی بین انواع خشونت ها توسط خانواده و اشتغال			
خشونت های فیزیکی	شاغل	بیکار	فی صدی مجموعی تعداد
لت و کوب	22.9%	77.1%	35 100%
زدن با چوب و سنگ	24.6%	75.4%	69 100%
پاره کردن لباسها و تخریب اشیای شخصی	50.0%	50.0%	10 100%
حبس و سوزانیدن	28.6%	71.4%	7 100%
همه موارد	28.6%	71.4%	14 100%
مجموع	39.8%	60.2%	938 100%
خشونت های لفظی			
سرزنش کردن	18.2%	81.8%	22 100%
توهین کردن و طعنه زدن	25.8%	74.2%	229 100%
بی توجهی و بی اعتنایی	44.9%	55.1%	89 100%
مجموع	39.6%	60.4%	941 100%
سلب آزادیهای فردی			
منع اشتراک در مجامع عمومی	22.9%	77.1%	109 100%
منع از رفتن به خانه دوستان	23.1%	76.9%	13 100%
منع اشتراک در مهمانیها	34.4%	65.6%	32 100%
مجموع	39.7%	60.3%	879 100%

شغل و دریافت کمک: بین شغل و دریافت کمک از نهادهای اجتماعی و ارگانهای دولتی نیز همبستگی وجود دارد.

در حالی که معلولان شاغل و بیکار از نظر دریافت کمکهای شخصی و کمکهای مؤسسات غیر دولتی با هم تفاوت زیادی ندارند، داشتن شغل، باعث اتکای بسیار کم به کمک ها و خدمات دولتی می شود. به عبارت دیگر معلولان شاغل (۲۷.۵٪) کمتر از معلولان بیکار (۷۲.۵٪) از کمکها و خدمات دولتی استفاده می نمایند.

۴. درآمد و خشونت از سوی خانواده و اجتماع: درآمد با خشونتها در محیط خانواده و هم در محیط اجتماعی همبستگی دارد. چنانچه از جدول شماره ۱۰ معلوم می شود پاسخدهندگانی که در آمدی نداشته اند و یا اینکه میزان درآمد ماهوار شان کم است، بیشتر شاهد انواع خشونتها در محیط خانواده و اجتماع می گردند. میزان درآمد با خشونتهای لفظی و سلب آزادی های فردی از سوی خانواده ارتباط داشته و این همبستگی طوری است که آن عده از اشخاص دارای معلولیت که درآمد دارند از معلولانی که درآمدی ندارند کمتر مورد خشونت در خانواده قرار می گیرند. به همین منوال، آن عده از پاسخدهندگانی که درآمد بیشتر دارند به مقایسه با معلولانی که درآمد کمتر دارند نیز کمتر مورد خشونتهای لفظی گردیده، تعداد کمتری اظهار می دارند که خانواده مانع اشتراک آنها در محافل و مجالس می گردد.

برعلاوه، از یافته ها چنین برمی آید که برخورد اجتماع نیز با در نظر داشت درآمد معلول متفاوت است. چنانچه معلولانی که صاحب درآمد اند کمتر از معلولان بی درآمد از برخورد خشونت آمیز در اجتماع خبر می دهند. گذشته از این آن عده از معلولانی که میزان درآمد شان بیشتر است نیز کمتر از معلولان کم درآمد در محیط اجتماع مورد خشونتهای لفظی قرار می گیرند. ناگفته نباید گذاشت که خشونتهای فزینگی و سلب آزادی های فردی دو موضوع عمده دیگری که معلولان به آن اشاره داشته اند، با میزان درآمد اشخاص دارای معلولیت همبستگی مهم آماری ندارد. بنابراین چنین می توان برداشت نمود که درآمد و میزان درآمد می تواند از برخورد های ناپسند در مقابل معلولان هم در محیط خانواده و هم در محیط اجتماعی جلوگیری نماید. اما این بدان

معنی نیست که درآمد به طور مستقیم و قطعی تأثیر گزار این برخوردار است. به طور مثال، و همچنانکه در قبل بحث گردید، درآمد با سواد و داشتن شغل ارتباط دارد و این دو با انواع مختلف خشونت‌های که معلولان با آن مواجهند نیز در ارتباط می باشد، لذا نمی توان با قاطعیت از رابطه مستقیم بین درآمد و انواع خشونت‌ها و نقض حقوق معلولان سخن گفت. اما بین این عناصر و درآمد و میزان آن همبستگی وجود دارد و این یک همبستگی مهم آماری می باشد.

جدول شماره ۱۱ همبستگی بین در آمد ماهوار و انواع خشونت ها توسط خانواده							
توهین و تحقیر	طنه دادن	تذکره بی جا	منع از ظاهر شدن در مجامع عمومی	منع از رفتن به خانه دوستان	منع از شرکت در مهمانی ها	منع از شرکت در مراسم جمعی	عاید ماهوار
65.2%	48.6%	43.2%	70.4%	53.3%	48.4%	51.2%	بی عاید
21.7%	31.1%	24.2%	14.8%	13.3%	35.5%	25.6%	0-999
8.7%	18.7%	29.5%	14.8%	26.7%	9.7%	23.3%	1000-3499
0.0%	1.7%	1.1%	0%	0%	3.2%	0%	3500-9999

۴۳.۵	0.0%	1.1%	0%	0%	0%	0%	10000-18999
0.0%	0.0%	1.1%	0%	6.7%	3.2%	0%	19000+
23	241	95	27	15	31	86	مجموع تعداد
100%	100%	100%	100%	100%	100%	100%	مجموع فیصدی

۵. وضعیت اقتصادی

یافته ها چنین نشان می دهد که متغیرهایی چون جنسیت، با انواع خشونت‌های لفظی و فیزیکی، نقض آزادی های فردی ارتباط دارد. جالب است بدانیم که زنان معلول نظر به مردان دارای معلولیت از وضع اقتصادی خویش راضی ترند. چنانچه ۶۵.۲٪ زنان می گویند که وضعیت اقتصادی شان ضعیف است در حالی که ۷۵.۲٪ مردان از وضعیت اقتصادی خویش ناراضی اند. این درحالی است که، همچنانی که بیشتر تذکر داده شد، مردان بیشتر از زنان درآمد دارند و تعداد مردان شاغل نیز بیشتر از تعداد زنان است. اما اینکه چرا زنان معلول از وضعیت اقتصادی خویش اظهار رضایت بیشتری می کنند بحثی است که باید در باره آن پژوهش ویژه صورت گیرد و این موضوع گسترده تر از آن است که در اینجا آن را به بحث گیریم بخصوص اینکه تحلیل عمیق تر موضوع بر اساس سوالات مطرح شده در پرسشنامه ها ممکن نبوده، بحث فراتر از چارچوب این پژوهش است. اما اجمالا می توان گفت که ممکن است در مجموع زنان نسبت به مردان افرادی راضی تر باشند و اگر که زنان، شاغل هم نباشند شاید این احساس در آنها قوی تر باشد زیرا با آنکه خود در خارج از خانه کار نمی کنند و درآمدی نقدی ندارند ولی از آنچه شوهران و یا درآمد آور خانه مهیا می نماید، راضی اند.

گذشته از متغیر جنسیت، رضایت از وضع اقتصادی با متغیرهای چون: خشونت‌های لفظی به وسیله خانواده و در اجتماع همبستگی دارد. بدین مفهوم که، آن عده از معلولانی که از وضع اقتصادی خویش رضایت ندارند از برخورد ناپسند اجتماع و خانواده نیز شاکمی اند. البته خاطر نشان باید ساخت که این موضوع در بخش قبلی به تفصیل به

بحث گرفته شد. که این بخش اظهارات بخش قبل را تصدیق نموده و از موضوع رابطه بین درآمد و انواع خشونت‌های به وسیله افراد خانواده و یا افرادی که شخص معلول در اجتماع با آنها برخورد می نماید، حمایت می نماید. بنابراین درآمد و وضع اقتصادی خوب، باعث می شود—چه به طور مستقیم و یا غیر مستقیم—تا برخورد بهتری با معلولان صورت بگیرد.

نتایج و پیشنهادات

برآیند های این تحقیق تنها متوجه دولت گردیده بلکه همچنان برای ارگان های ذی ربط غیر دولتی نیز کاربرد دارد. بر اساس یافته های پژوهشی که به تفصیل در باره آنها بحث گردید پیشنهاداتی در این بخش مطرح می گردد که در ذیل به تفصیل به آنها می پردازیم. خشونت ها در خانواده و اجتماع: اکثر معلولان از برخورد های خشونت آمیز در خانواده و اجتماع خبر میدهند، خشونت های لفظی، خشونت های فیزیکی، سلب آزادی های فردی بین معلولان معمول بوده، اکثریت اشخاص دارای معلولیت از خشونت هایی که در محیط اجتماعی با آن رو به رو اند حرف زده اند. بنابراین:

- ارگان های مرتبط و دولت می توانند در راستای آگاهی دهی عامه فعالیت نمایند.
- تأمینات اجتماعی ویژه برای اشخاص دارای معلولیت و حمایت از این اشخاص وظیفه دولت است.
- آگاهی دهی برای مردم از طریق رسانه های گروهی، ملامامان مساجد، و روحانیان می تواند از میزان برخورد های خشونت آمیز با معلولان هم در اجتماع و هم در خانواده بکاهد. ارتقای سطح آگاهی مردم مبنی بر اینکه معلولان نیز قشری از جامعه بوده و از همان حقوق و مزایایی برخوردار می باشند که بقیه مردم برخوردارند، می تواند زمینه ساز باشد برای طرح قوانین ویژه در راستای بهبود وضع معلولان در افغانستان.

- قانون اساسی افغانستان فاقد رهنمود های مشخص در مورد معلولان است. شمولیت حقوق معلولان در قوانین کشور، و مشخص نمودن وظایف و مسؤولیتهای ارگان های دولتی در قبال معلولان از دیگر مواردی است که می تواند در بهتر ساختن وضع معلولان مفید واقع شود.
 - از سوی دیگر، تصویب میثاق بین المللی افراد دارای معلولیت، توسط دولت افغانستان و پایبندی دولت به عمل نمودن مطابق این میثاق ها گامی مثبت و مؤثر جهت رفاه معلولان می تواند شمرده شود.
 - گنجاندن موضوعات مربوط به رعایت و احترام به حقوق افراد دارای معلولیت در کتب درسی مکاتب، کتاب های درسی دوره های سواد آموزی و آموزش کلان سالانه نیز می تواند از برخورد ناسالم مردم در مقابل افراد دارای معلولیت بکاهد.
 - ایجاد سهولت ها در جهت افزایش دسترسی افراد دارای معلولیت به خدمات صحی، آموزشی و سایر خدمات اجتماعی ویژه اشخاص دارای معلولیت توسط مؤسسات دولتی و غیر دولتی می تواند تفاوت های بین افراد دارای معلولیت و افراد بدون معلولیت را کمتر سازد.
- اما در مورد برنامه های که مستقیماً می تواند تأثیرات مثبت در بهبود وضع معلولان داشته باشد باید گفت که چون سواد، میزان درآمد و اشتغال از جمله عواملی اند که وابستگی به رضایت از وضع اقتصادی، برخورد خانواده و برخورد اجتماع دارند، بدین اساس:
- زمینه سازی برای اشتغال اشخاص دارای معلولیت می تواند از میزان مشکلات معلولان بکاهد.
 - تدویر دوره های آموزشی بویژه دوره های سواد آموزی و ارتقای ظرفیت معلولان می تواند زمینه ساز اشتغال معلولان باشد.

- فراهم نمودن تسهیلات رفت و آمد به تعمیر ها از موانع ساختاری که ممکن است باعث منزوی شدن معلولان شود، جلوگیری می نماید.

ضمیمه ها

۱. جدول هایی که در متن به آنها اشاره گردیده است

جدول شماره ۱

نقش معلول در خانواده	فی صدی	تعداد پاسخ دهنده
پدر	50.7%	491
مادر	10.6%	103
پسر	26.3%	255

بررسی وضعیت اشخاص دارای معلولیت و مشکلات آنها در خانواده و جامعه

83	8.6%	دختر
36	3.7%	سایر موارد
968	100%	مجموع

جدول شماره ۲ تفکیک سواد بر اساس ولایت

ولایت	بیسواد	باسواد	مجموع فی صدی	مجموع
کابل	36.17	63.83	100%	141
مزار	30.56	69.44	100%	72
هرات	54.88	45.12	100%	82
قندهار	57.14	42.86	100%	63
ننګرهار	49.4	50.6	100%	83
لغمان	56.04	43.96	100%	91
پکتیا	77.46	22.54	100%	71
بامیان	76.81	23.19	100%	69
پروان	58.57	41.43	100%	70
کنډز	53.85	46.15	100%	65
تخار	59.7	40.3	100%	67
بادغیس	66.2	33.8	100%	71
هلمند	73.47	26.53	100%	49
جوزجان	66.67	33.33	100%	78
مجموع	56.44	43.56	100%	1,072

جدول شماره ۳ همبستگی اشغال و انواع خشونت توسط جامعه

تعداد	فی صدی مجموعی	بیکار	شاغل	خشونت فیزیکی توسط جامعه
23	100%	78.26%	21.74%	لت و کوب
90	100%	82.22%	17.78%	زدن با چوب و یا سنگ
۶۱۹	100%	68.97%	31.03%	پرتاب کردن اشیا به طرف شخص

بررسی وضعیت اشخاص دارای معلولیت و مشکلات آنها در خانواده و جامعه

معلول	مجموع	39.62%	60.38%	100%	732
خسونت لفظی توسط جامعه					
توهین و تحقیر کردن	37.56%	62.44%	100%	418	
طعنه دادن	38.98%	61.02%	100%	236	
ترحم بی جا	29.03%	70.97%	100%	93	
مجموع	39.62%	60.38%	100%	954	

۲. جدول های متفرقه برای معلومات بیشتر

تقسیم بندی پاسخ دهندگان بر اساس ولایات

از مجموع ۱۸۰۲ نفر دارای معلولیت که پرسشنامه ها را خانه پری نموده اند توزیع جغرافیایی آن در جدول ذیل مشخص شده است.

جدول شماره ۴

ولایات	فی صدی	تعداد پاسخگو
کابل	13.2%	143

بررسی وضعیت اشخاص دارای معلولیت و مشکلات آنها در خانواده و جامعه

72	6.7%	بلخ
82	7.6%	هرات
65	6.0%	ننگرهار
84	7.8%	جلال آباد
92	8.5%	لغمان
71	6.6%	پکتیا
70	6.5%	بامیان
70	6.5%	پروان
65	6.0%	قندوز
70	6.5%	تخار
71	6.6%	بادغیس
49	4.5%	هلمند
78	7.2%	جوزجان
1082	٪100	مجموع

جدول شماره ۵

تعداد پاسخ دهنده	فی صدی	علت معلولیت
21	1.9%	بی جواب
139	12.8%	مادر زادی
34	3.1%	خشونت و نزاع فردی
636	58.8%	جنگهای داخلی
148	13.7%	بیماری
71	6.6%	حوادث طبیعی

بررسی وضعیت اشخاص دارای معلولیت و مشکلات آنها در
خانواده و جامعه

27	2.5%	حوادث ترافیکی
6	0.6%	سایر موارد
1082	%100	جمع